مطالعات فرهنگ و هنر آسیا، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دو فصل نامهٔ علمی(مقالهٔ علمی – پژوهشی)،سال اول، شمارهٔ دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ۴۰-۲۳

بررسی جنبه‌های نمادین و نشانه‌ایِ فیلم سینمایی رنگ انار به‌کارگردانی سرگئی پاراجانف

الهام ایل[۱]
محمد عارف[۲]

چکیده

مقالهٔ حاضر می‌کوشد به بررسی تحلیلی و نماد شناختی فیلم سینمایی رنگ انار، اثر سرگئی پاراجانف، کارگردان ارمنی، از منظر انسان‌شناسی نمادین بپردازد. انسان‌شناسی نمادین، که درامتداد نظریه‌های دهۀ ۱۹۷۰ و با تلاش اندیشمندانی چون گیرتز، ترز و داگلاس در علوم انسانی ایجاد شده، فرهنگ را مجموعه‌ای از معانی می‌داند که از طریق نمادها و نشانه‌ها درک و تفسیر می‌شود. سینما نیز به‌عنوان رسانه‌ای متنی، جهت انتقال معانی فرهنگی مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از ابزارهای مناسب برای تحلیل متون سینمایی، استفاده از روش نمادشناسی است، که روشی منسجم و پربار در مطالعات سینمایی محسوب می‌شود. رنگ انار، فیلمی با اقتباس از زندگی صایات نوا (شاعر ارمنی قرن هجدهم)، آمیزه‌ای از نمادهای انجیلی، تصویرپردازی‌های مذهبی، هنر بومی و معماری قوم ارمن است. این مقاله، به روش تحلیل محتوای کیفی و شیوهٔ کتابخانه‌ای، با رویکرد انسان شناسی نمادین، مبتنی بر دیدگاه کلیفورد گیرتز، مورد مداقه قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که پاراجانف از سینماگران مردم‌شناس ارمنی است که عناصر بومی و قومی ارمنیان را به‌خوبی شناخته، و شاهد تحولات نمادها و نشانه‌های بومی، به مذهبی، در دوران حاکمیت اتحاد جماهیر شوروی در زندگی قوم ارمن بوده است. این مقاله به بازشناسی ده نماد و نشانه در فیلم رنگ انار می‌پردازد.

کلمات کلیدی: انسان شناسی نمادین، فیلم رنگ انار ، سینما، سرگئی پاراجانف، نشانه‌شناسی، ارمنستان.

---

۱. کارشناسی ارشد پژوهشی هنر، دانشگاه آزاد اسلامی علی آباد کتول، گرگان، ایران elhameil@gmail.com
۲ . نویسندهٔ مسئول، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ایران m-aref@iau-arak.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۶/ ۶/ ۱۳۹۸، تاریخ پذیرش: ۹/۲۰/ ۱۳۹۸

۱. بیان موضوع

فیلم سینمایی رنگ انار ساختهٔ سرگئی پاراجانف کارگردان ارمنی، فیلمی قابل اعتنا درزمینهٔ انسان شناسی نمادین به‌شمار می‌آید که با تصاویری تاثیرگذار، مخاطب را تا ژرفای فرهنگ قوم ارمن پیش می‌برد. بررسی نمادین فیلم رنگ انار در گرو شناخت فرهنگ، هنر، اتنوگرافی قوم ارمن و آیین مسیحیت است. آنچه فیلم را به اجبار به وادی نماد واستعاره می‌کشاند، مضمون اساسی فیلم یعنی تصویرکردن زندگی درونی و دگرگونی‌های شاعر ارمنی(صایات نوا) است. یکی از ابزارهای مناسب برای تحلیل متون سینمایی، به‌کارگیری روش نشانه شناسی است. نشانه‌ها حاملین معانی هستند و نشانه‌شناسی قادر به مطالعهٔ این فرآیند، یعنی انتقال معانی از طریق نشانه‌ها در زندگی روزمرهٔ ماست. ممکن است نمود نشانه‌ها در زندگی اجتماعی ما به‌صورت واضح و فوری امکان‌پذیر نباشد، اما قوم‌نگاران و انسان‌شناسان با استفاده از ابزار نشانه‌شناسی قادر به نمایان کردن معانی این نمودها از طریق مطالعهٔ نشانه‌ها هستند(نرسیسیانس،۱۳۸۵: ۱۲۱) انسان‌شناسی نمادین و تفسیری گرایشی است که درون انسان شناسی فرهنگی آمریکا به وجود آمد و بر این باور است که فرهنگ مجموعه‌ای از معانی است که از خلال نمادها و نشانه‌ها تفسیر می‌شود و برای درک آن باید ابتدا به سراغ تحلیل نمادها رفت(فکوهی،۱۳۸٦: ۲۵۵-۲۵٤). همچنین با مطالعهٔ نمادها و نشانه‌ها، از قبیل اساطیر و آیین‌ها، که اعضای جامعه برای آن‌ها معنی و اعتبار قائل‌اند، سعی در بررسی مسائلی دارد که در زندگی اجتماعی افراد، بسیار مهم تلقی می‌شود(اسپنسر،۱۹۹٦). دو محور فکری مهم در انسان‌شناسی نمادین با نام‌های کلیفورد گیرتز و دیگری ویکتور دبلیو ترنر می‌باشند(نرسیسیانس،۱۳۸۵: ۱٤۷). مفهوم نماد، یکی از مفاهیم اصلی در نظریهٔ تفسیرگرایی گیرتز و درک او از فرهنگ است. از نظر گیرتز، نماد عبارت است از هر موضوع، عمل، پدیده یا کیفیت رابطه و پیوندی که به‌عنوان وسیله و ابزاری برای اظهار یک برداشت، نقش ایفا می‌کند و با پشت سر گذاشتن

سیری تـاریخی در جامعـه، میراثـی تـاریخی هسـتند(رحمـانی، ۱۳۸۳: ۱۷). از دیـدگاه انسان‌شناسی، فرهنگ، یک نظام مستقل معنایی است که توسـط تفسـیرهای مربـوط بـه نمادها و آیین‌های کلیـدی رمزگشـایی شـده است(اسپنسـر،۱۹۹٦). فرهنـگ، از طریـق نمادهای بیرونیِ مورد استفاده در جامعه متبلور مـی‌شـود و چیـزی نیسـت جـز الگـوی سـرایت داده شـده‌ای از معنـی، کـه ریشـه‌ای تـاریخی دارد و در نمادهـا تجسـم یافتـه است(گیرتز، ۱۹۷۳e). فیلم سینمایی رنگ انار در عین اینکه بـه خاسـتگاه‌نگـاری قـوم ارمن می‌پردازد،از ساختاری اندیشه‌ورزانه در انتقال مفـاهیم ذهنـی بـه عینـی برخـوردار است و کوشیده است که از سطح، به ژرفای شعور انسان، هنر و قوم شناسی برسد. فیلم سینمایی رنگ انار یکی از فیلم‌هـای برجسـته پاراجـانف ارمنـی و نیـز سـینمای شـرق، به‌ویژه اتحاد جماهیر شوروی در جهان می باشد.

۲. روش تحقیق

این مقاله با تکیه بر روش توصیفی، تحلیلی(کیفی)، با رویکرد انسان‌شناسی نمـادین، به تحلیل فیلم رنگ انار سرگئی پاراجانف پرداخته و با استفاده از روش تحلیل محتـوای کیفی، آن را تجزیه و تحلیل کرده است.

۳. محدوده مطالعاتی

ارمنیان قومی وارد شده بـه فـلات هایـک(ارمنسـتان) مـی‌باشـند کـه در دوره‌هـای گوناگون حاکمیت نائیری‌ها، اورارتویی‌ها و هایاها، به زبانی مستقل، به نام ارمنی سـخن می‌گفته‌اند. هند و اروپایی ریشه زبانی ارامنه است. اگرچه هم اکنون بالغ بر هـزار کلمـه ایرانی باستان در زبان قوم ارمن جریان دارد، چنانکه از یـازده هـزار واژ ریشـه‌ای زبـان ارمنی، ۱٤۱۱ واژه مأخوذ از زبان‌های ایرانی است.امردم ارمنستان به‌دلیـل قتـل عـام‌هـا، هجوم‌ها و ناامنی‌های تاریخی، غالباً در کشورهای مختلف پراکنده شده‌اند. طبق آخـرین

آمار موجود، حدود جمعیت قوم ارمن را می‌توان پنج میلیون نفر تخمین زد که بالغ بر سه میلیون آنان در خارج از ارمنستان اقامت دارند و دو میلیون دیگر در جمهوری ارمنستان ساکن هستند. سوابق تحقیق نشان می‌دهد که در دوره‌های گوناگون تاریخی دو کشور ارمنستان و گرجستان دارای روابط تنگاتنگی با ایران و فرهنگ و سیاست آن داشته‌اند. قبایلی از جمله پارسوماش، کیمیری، آران، اورارتو، های، آرام، آلان و خصوصاً اشکانیان ایران این گمانه را پر رنگ‌تر می‌کند(عارف،۱۳۸۸: ٤۲). در عین حال انار در فرهنگ مردم ایران، که البته تأثیراتی بر فرهنگ مردم ارمنستان در دوره‌های پیش از هخامنشیان، اشکانیان و صفویه داشته، از اهمیتی ویژه برخوردار بوده است.

٤. چارچوب نظری

این مقاله با تکیه بر نظریه نماد شناسی کلیفورد گیرتز تنظیم گردیده است.

۵. بحث: تجزیه و تحلیل داده‌ها

یکی از فیلم‌های سینمایی قابل اعتنا در دوران اتحاد جماهیر شوروی، فیلم رنگ انار (۱۹٦۸م.) به کارگردانی سرگئی پاراجانف، کارگردان شهیر ارمنی، است که دربارهٔ زندگی و رنج‌های آشوق(Ashugh) صایات نُوا (هاروطون (آروتین) صیادیان، شاعر ارمنی ۱۷۹۵-۱۷۱۲م.) می‌باشد. در این فیلم، زندگی صایات نوا، در قالب فیلمی نمادین، از دوران طفولیت، در کارگاه ریسندگی تا جوانی پرشور در تفلیس، و کهن‌سالی‌اش در لباس روحانیون در صومعه به تصویر کشیده شده است. فیلم رنگ انار، در نوع خود، از شاهکارهای سینمای ارمنستان محسوب می شود. صایات نوا، در حملهٔ آغامحمدخان قاجار به تفلیس، حاضر نشد به خواست وی مبنی بر انکار مسیحیت و تغییر دین تن دهد و به دستور وی کشته شد، به همین دلیل، ارامنه، او را شهید راه دین می‌دانند. پاراجانف تلاش می‌کند، وی را همانند مسیح نشان دهد

(مشکنبریانس، ۱۳۸٦: ٤۲). سبک شعری خاص و توانایی صایات نوا در سرودن شعرها و تصنیف‌های عاشقانه به چند زبان، از جمله ارمنی، گرجی، ترکی و فارسی، جایگاهی ویژه در بین این ملت‌ها به او بخشیده است. نگرش خاص و عشق صایات نوا نسبت به انسانیت و رنجی که برای آن متحمل شد، مرز زمان را درهم شکست و از او هنرمندی یگانه، برای تمامی نسل‌ها و ملل قفقاز ساخت، هنرمندی که در خور مباهات جامعه بشری است(زارزاند، ۱۹٦۰). پاراجانف با دیدی شاعرانه و بصری، به نمایش زندگی این شاعر از دوران نوجوانی، کشف صورت زنانه، شکست در عشق، ورود به دِیر و مرگ شاعر با استفاده از تصاویری نمادین و قالب‌بندی شده می‌پردازد. پاراجانف با ساخت فیلم رنگ انار، به نشان دادن ریشه‌ها و شرایط زندگی صایات نوا، هویت و منابع الهامی شعرهایش می پردازد. به نظر او، ریشه الهام‌های صایات نوا در مردم و فرهنگ ارمنیان است. به عقیده گیرتز، فرهنگ، نظامی از مفاهیم است که در قالب نمادها بیان شده و امکان برقراری ارتباط، بین انسان‌ها را فراهم می نماید. از نظر او، فرهنگ، الگوهای تاریخی انتقال یافته و نهادینه شدهٔ معناهایی است که در نمادها تجسم یافته و انسان می‌تواند از طریق آن، دانش و نگرشش دربارهٔ خود و زندگی را به دیگران انتقال داده، از این راه موجب تداوم، نگهداری و توسعه آن‌ها شود(فکوهی،۱۳۸٦: ۸۷). فرهنگ چیزی نیست جز الگوی سرایت داده شده‌ای از معنی، که ریشه‌ای تاریخی دارد و در نمادها تجسم یافته است(گیرتز، e ۱۹۷۳). در واقع، این فیلم دربارهٔ فرهنگ، آداب و رسوم، جشن‌ها، موسیقی، معماری و هنر مردم قفقاز، با تمرکز خاص بر جمهوری ارمنستان و با استفاده از انواع نمادها و نشانه‌های آیینی و مذهبی ساخته شده است(جیمز، ۱۳۷:۲۰۱۳). کلمهٔ آیین در زبان ارمنی به معنای «راز» نیز می‌آید و مفهوم دینی آن عبارت از دریافت ندیده‌ها و یا نشان مرئی برای فهم فضایل نامرئی است. به زبان ساده‌تر یعنی مفهوم و محسوس شدن چیزی که از دیدگان انسان پوشیده شده است. آیین‌های کلیسا را رازهای کلیسا می‌گویند. بنابراین مقصود از آیین(راز) درک پدیده‌های نامرئی و اسرارآمیز موجود در مراسم و فرایض دینی به یاری باور و ایمان

است. کلیسا هفت آیین یا راز را می پذیرد که بعضی از آن‌ها مستقیماً از جانب حضرت عیسی مسیح و برخی دیگر از جانب حواریون و یا پدران روحانی کلیسا تأیید شده است. برای اجرای مراسم آیین‌ها سه عنصر لازم است:

۱- نشان محسوس: آب در مراسم غسل تعمید، روغن مقدس در تدهین، و نان و شراب در آیین پذیرش تبرک، نشان‌هایی هستند که با چشم دیده می‌شوند.

۲- دعا: به وسیلهٔ ادعیه و آوازهای مذهبیِ آیین‌ها تفهیم می‌شود.

۳- خادم قانونی: شخص روحانی که کسوت روحانیت را رسماً پذیرفته، فقط او مجاز به اجرای مراسم آیین‌هاست، که در این فیلم دارای کارکردهای پنهان است(مانوکیان،۱۳۸۳).

برای تحلیل فیلم رنگ انار از نسخه اولیهٔ ارمنی و سانسور شدهٔ فیلم، توسط سرگئی یوتکویچ، به نام برش کارگردان استفاده شده است، که نزدیک‌ترین نسخه به نسخهٔ اصلی پاراجانف است.

٦. شخصیت‌های فیلم

سوفیکو چیائورلی(Sofiko Chiaureli): شاعر نوجوان، عشق شاعر، تفکر شاعر، نمایش خنده آور، فرشته رستاخیز

ملکُن آلکسانیان(Melkon Aleksanyan): شاعر به‌عنوان یک کودک

ویلِن گلاستیان (Vilen Galstyan): شاعر در دیر

گئورگی گِگِچکوری (Giorgi Gegechkori): شاعر به‌عنوان یک پیرمرد

اسپارتاگ باگاشویلی (Spartak Bagashvili): پدر شاعر

مِدِآ جاپاریدزه (Medea Djaparidze): مادر شاعر

هُوْهانِس میناسیان (Hovhannes Minasyan): شاهزاده

اُنیک میناسیان (Onik Minasyan): شاهزاده

۷. نمادها و نشانه‌های شاخص در سینمای پاراجانف

۱. انـار، نمـاد ملـی ارمنسـتان محسـوب مـی‌شـود و بـه صـورت برجسـته‌ای در اسطوره‌شناسی، ادبیات، هنر، سینما، مُد و غذاهای ارمنی حضور دارد. در اساطیر ارمنـی، انار نماد فراوانی، شادی، رفاه، ازدواج و باروری است. ارامنه، این میوه را نگهبان چشـم بد نیز می‌دانند. اعتقاد ارامنه بر این است، کـه انـار در محافظـت زن از نابـاروری نقـش دارد. در آیین ازدواج ارمنستان باستان، عروس، انار را به سمت دیوار پرتاب می‌کند، تـا به قطعات متعدد شکسته شود. ارامنهٔ باستان معتقد بودند، دانهٔ انار پراکنـده شـده، بـرای زن و شوهر تازه ازدواج کرده، تضمین داشتن کودکـانی در آینـده اسـت(خاچاطوریـان، ۲۰۱۵) در آیین مسیحیت، انار از تقدّس خاصی برخـوردار اسـت(یـاحقی ،۱۳۸٦:۱٦٦). گیرتز نمادهای مقدس را دارای کیفیت مضاعفِ بی‌همتایی می‌دانـد، کـه از یـک‌سـوی، بازنمونی از نحوهٔ وجود چیزها، یعنی کیهان‌شـناخت و مابعدالطبیعـه و از سـوی دیگـر، راهنمـا یـا برنامـه‌ای بـرای عمـل انسـانی، یعنـی اخـلاق و زیبـائی‌شناسـی را ارائـه می‌دهند(الیاده، ۱۳۷۵: ٦-۱٤٥). عرفان مسـیحی، نمـادگرایی بـاروری انـار را در زمینـهٔ روحانی می‌بیند و این‌گونه است که یوحنا، صلیبی از دانه‌هـای انـار را نشـانی از کمـال الهی و گردی انار را نشانی از ابدیّت الهی و گـوارایی آب انـار را نمـاد نشـئه‌گـی روح مهربان و آگاه می‌داند(آلن گربران، ۱۳۸۸:۲۵۱) از نظر پاراجانف، میوهٔ انار کـه در قفقـاز و خاورمیانه کشت می‌شود، طیف وسـیعی از معـانی جـادویی، ماننـد: مـرگ، زنـدگی، باروری، وسوسه و خونریزی را در بر می‌گیرد. در هنر مسیحی، دانه‌های فراوان انـار بـا آب سرخ رنگ (خون مسیح) و پوشش گوشتی اطراف دان‌ها(بدن مسیح)، نماد وحـدت کلیسا در مراسم عشای ربّانی است(شفرد، ۱۳۹۳:۲۵۹). مراسم عشای ربّانی، یـک آیـین مقدس نمادین و ریشه‌دار در مسیحیّت است. وجود سه انار در سکانس اولیهٔ فـیلم، کـه آب آن‌هـا بـه بیـرون تـراوش و روی پارچـهٔ کتـانی، لکـه‌هـای قرمـز ایجـاد کـرده است(تصویر۱)، طغیان تمایلات جنسی و آفرینندگی را می‌نمایاند، که در ترکیب با طعم

ترش و شیرین و تلخ انار، نمایانگر پیچیدگی‌های زندگی خود پاراجانف است(جیمز،۲۰۱۳ : ۱۳۷). پاراجانف با نمایش این تصویر، رنج و درد صایات نوا را به‌نمایش می‌گذارد و ریختن آب انار به مفهوم ریختن خون صایات نوا و یا به عبارتی تمثیلی از شهادت وی است.

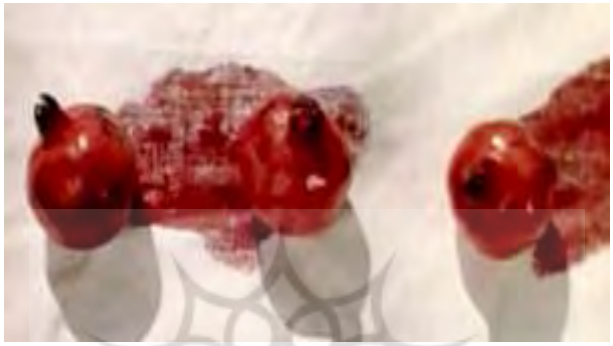

تصویر۱- سه انار که آبشان به بیرون تراوش کرده است (فیلم رنگ انار)

۲. در سکانس بعدی، شاهد خنجری هستیم که خونی زیر آن پخش شده است (تصویر۲). خون نیز، نیروی زندگی و در کتاب مقدس یهودیان، با خود زندگی مترادف است. در آیین مسیحیت، عملکرد طبیعی و نقش قربانیان مذهبی معکوس شده است، به این صورت که خدا (به شکل مسیح) خود را قربانی می کند و مؤمنان خون او را (به شکل شراب) برای به دست آوردن نعمت زندگی جاوید می‌نوشند (شفرد، ۱۵۵ :۱۳۹۳). خون، نمادِ آتش، گرما و زندگی است که با خورشید خویشاوندی دارد (آلن گربران، ۱۳۵:۱۳۸۸). گیرتز در رویکرد تفسیرگرایانهٔ خود به دین، آن را به‌عنوان بخشی از یک نظام فرهنگی در نظر می‌گیرد که به انسان‌ها ارث می‌رسد و به صورت‌های نمادین بیان می‌شود، همچنین، به منزلهٔ بخشی از یک فرهنگ، با نمادهای مقدس و کارکرد آن‌ها سر و کار دارد(همیلتون، ۲۷۵:۱۳۷۷) پاراجانف، با نمایش خنجر خونین، شهادت صایات نوا در راه دین خود(مسیحیت) و به‌طور گسترده‌تر، تاریخ غم‌انگیز مردم قفقاز را بیان می‌کند (جیمز، ۱۳۷:۲۰۱۳).

تصویر۲- خنجری که روی پارچه خونین قرار دارد (فیلم رنگ انار)

۳. در هنر عیسوی، خوشه‌های انگور، نماد شراب در مراسم عشای ربانی و درنتیجه، خون عیسی مسیح است(هال، ۱۳۸۰: ۲۷۸، ۲۸۳). شراب، مملو از معانی کتاب مقدس و سنت ادب فارسی است، که شعرهای صایات نوا، برگرفته از هر دوی آن‌ها است. اما برای قفقازی‌ها شراب ریشه‌های فرهنگی عمیق‌تری دارد. باستان‌شناسی‌های اخیر نشان می‌دهند، قفقاز مکان اولیهٔ تولید شراب بوده است (جیمز،۲۰۱۳ : ۱۳۷). در سکانسی که مردی در حال له کردن انگور بر روی سطح کتیبهٔ ارمنی است (تصویر۳)، هدف پاراجانف از این دو نماد، تصویر خلاصه شده‌ای از زندگی صایات نوا در صومعه، یعنی ساخت شراب و کنده‌کاری کتیبه‌های سنگی، و نیز استعاره‌ای بصری به معنی «شعر، همانند ساخت شراب از کلمات» است (جیمز،۲۰۱۳ : ۱۳۷). به عقیده گیرتز، نمادهای مقدس، در ایجاد تصویر انسان‌ها از جهان و مرتبط ساختن آن با روحیات‌شان، نقش مهمی بر عهده دارند (همیلتون،۱۳۷۷ :۲۷۵). پاراجانف نیز به‌طرزی هوشمندانه از انگور به نشانهٔ خون عیسی مسیح به عنوان نقطه طلایی بیانیهٔ خود استفاده کرده است.

تصویر۳- پایی در حال له کردن انگور بر روی کتیبه ارمنی (فیلم رنگ انار)

٤. خار در فرهنگ ارمنیان، نمادی مذهبی است و تاج خاری که برای تمسخر بر سر عیسی نهادند، یکی از ابزارهای عزاداری مسیحی، برای نمایش رنج و عذابی است، که عیسی مسیح کشیده است (هال،۱۳۸۰: ۲۸۳). در تصویری که خارهای در هم تنیده و خشن، در برابر پردهٔ مشکین‌فام قرار گرفته‌اند(تصویر٤) پاراجانف، رنجِ مسیح را یادآور می‌شود (جیمز،۲۰۱۳ : ۱۳۹–۱۳۸). به عقیدهٔ گیرتز، دین از طریق قرار دادن رنج در یک زمینهٔ معنی‌دار، انسان را با آن تطبیق می‌دهد و با فراهم آوردن شیوه‌های خاصی از کنش، رنج را قابل فهم می‌سازد. توانایی انسان در فهم رنج در واقع به معنای توانایی پذیرش و تحمل آن است (همیلتون، ۲۷۷:۱۳۷۷).

تصویر٤- خارها در پس زمینه تیره (فیلم رنگ انار)

۵. از نظر عیسویان، صلیب، یکی از اشیای مهم و مقدس، به نشانهٔ مصلوب شدن مسیح و قربانی شدن او برای رستگاری انسان (شفرد، ۳۴۷:۱۳۹۳) و نماد مرگ و آرزوی زندگی پس از مرگ است (هال،۱۳۸۰: ۱۵۹). در سکانسی که صایات نوا، با تصویر صلیبی بر پشت سرش و کتاب گشوده‌ای در دستانش، در کناری ایستاده و راهبان همکارش، با سر و صدا، در حال خوردن آب انار هستند(تصویر۵)، پاراجانف، با کنار هم قراردادن نمادهای مذهبی همچون صلیب و کتاب در یک سوی و نوشیدن آب انار توسط راهبان در سوی دیگر، نمادی از تسلیم در برابر امور نفسانی، و مبارزهٔ بین زهد و نفس اماره را به تصویر می‌کشد (جیمز،۲۰۱۳ : ۱٤٥).

تصویر۵- خوردن انار توسط راهبان(فیلم رنگ انار)

٦. در سکانس روغن‌گیری راهبان از دانه‌های آفتاب‌گردان و تراوش روغن تهیه‌شده از پارچ فلزی به درون سینی مسی(تصویر٦)، پاراجانف می‌کوشد، تمایلات راهبان به امور دنیوی و نفسانی را به تصویر کشد(جیمز،۲۰۱۳ : ۱٤٥). همچنین می‌تواند اشاره به تهیهٔ روغن مقدس(میورون)، که درآیین «تدهین» ارمنیان در کلیسا استفاده می‌شود داشته باشد. معنای لغوی تدهین «نشان» و «مُهر» و آیین دریافت لطف و موهبت الهی است. یکی از نشانه‌های دینی در فرهنگ قوم ارمن مالیدن روغن مقدس(میورون)، توسط کشیش مذهبی بر صورت فردی است که می‌خواهد گرایش به مسیح پیدا کند. این آیین

در زندگی ارمنیان از اهمیتی ویژه برخوردار است. مادۀ اولیۀ آیین تدهین، روغن مقدس(میورون به معنای «روغن شیرین») است که از روغن زیتون یا روغن برگ بو تهیه می‌شود. در کار تهیۀ روغن مقدس بیش از همه از بالزام (مواد معطر صمغی حاوی ترکیبات اتری و خواص مرهمی) استفاده می‌شود و عصارۀ گل‌های زیادی را هم به‌کار می‌برند. روغن مقدس معمولاً هر هفت سال یک بار تهیه و تبرک می‌شود و هر بار روغن مقدس جدید را با روغن مقدس قدیمی مخلوط می‌سازند و با دست گریگور لوساوریچ مقدس تبرک می‌کنند. حق تبرک دادن به روغن مقدس در انحصار جاثلیق است (مانوکیان،۱۳۸۳).

تصویر٦- روغن گیری از دانه آفتابگردان (فیلم رنگ انار)

۷. در هنر عیسوی، خروس، یکی از ابزارهای عزاداری، به نشانه‌ی پِتر حواری و نمادی از توبه است (هال،۱۳۸۰: ٤٧). توبه در فرهنگ ارمنیان به معنای متألم شدن و درد کشیدن در ماتم و ندامت از گناه یا خبط است. عیسی مسیح اغلب در بارۀ توبه سخن گفته و تأکید نموده توبه امری الزامی است. توبه به‌عنوان یک آیین شامل سه بخش است:۱. ندامت۲. اعتراف۳. طلب مغفرت. در سکانس مرگ صایات نوا، سوفیکا چیائورلی، در نقش جوانی دو جنسی با چهره‌ای رنگ پریده و خروسی بر شانه ظاهر می‌شود (تصویر۷) که پاراجانف، او را «فرشتۀ قیامت»، «جوان سپیدپوش» و «اشعارِ رویایی صایات نوا» نامیده است (جیمز،۲۰۱۳ : ١٤٥) پاراجانف، از نماد خروس، برای

نمایش توبهٔ پیش از مرگِ صایات نوا استفاده کرده است. توبه نیـز یکـی از هفـت آیـین مقدس ارامنه محسوب می‌شود.

تصویر۷- خروس بر شانهٔ فرشتهٔ قیامت (فیلم رنگ انار)

۸. در هنر عیسوی، برگ تاک، مظهر مسیح و خوشهٔ انگور، نمـاد شـراب در مراسـم عشای ربانی، به نشانهٔ خون عیسی مسیح است (هال، ۱۳۸۰: ۲۷۸،۲۸۳). شراب با خـون دیونوسوس(Dionysus)، دو جنسی یونانی، ایزد شهوت، شراب، میگساری و زراعـت انگور نیز پیوند دارد (شفرد، ۱۳۹۳:۲٦۰). به عقیدهٔ گیرتز، نمادهای مذهبی، هم موقعیت ما را در جهان بیان می‌کنند و هم به این موقعیت شکل می‌بخشند. این نمادها، از طریق القای تمایلاتی در انسان‌هـا، در جهـت رفتـار کـردن بـه شـیوه‌هـایی معـین و ترغیـب حالت‌هایی خاص در آن‌ها، به جهان اجتماعی شکل مـی‌دهنـد (همیلتـون،۱۳۷۷ :۲۷۵). در سکانسی، فرشتهٔ قیامت، با طرح انتزاعی یک تاک بر روی قبایش و یک جفـت تـاک بالارونـده بـر روی دیـوار پشـت سـرش، بـا ریخـتن شـراب قرمـز بـر روی سـینهٔ شـاعر(تصـویر۸) آخـرین تجربـهٔ دنیـایی صـایات نـوا از لـذت هـای دنیـوی را نشـان می‌دهد(جیمز، ۲۰۱۳:۱٤٦).

تصویر۸- ریختن شراب بر روی صایات نوا توسط فرشتهٔ قیامت (فیلم رنگ انار)

۹.در سکانسی از فیلم، صایات نوا، با یک گروه از پسران و دختران عزادار در گورستان برخورد می‌کند، که جسد مادر خود را حمل می‌کنند. چهرهٔ زن، مریم مقدس را به یاد او می‌آورد(تصویر۹). صایات نوا، با هدایت آن‌ها، زمزمه می‌کند «زخم‌های من، تازه خون‌ریزی کرده‌اند» و پسران و دختران تکرار می‌کنند. در پایان این سکانس، پاراجانف، با استفاده از همراهی موسیقی و یکی از بهترین شعرهای صایات نوا، به نام «جهان یک پنجره است» برگزاری نوعی آیین و مناسک مذهبی هنگام مرگ را به‌نمایش می‌گذارد(جیمز،۲۰۱۳ : ۱٤۳). به عقیدهٔ گیرتز، مکانیسم ایجاد کنندهٔ ایمان، مناسک (Ritual) است. ایمانِ مذهبی در جریان مناسک ایجاد می‌شود. مناسک هم مفهوم کلی مذهب را صورت‌بندیَ می‌کند و هم تکلیف مرجعیتی را مشخص می‌سازد که پذیرش و حتی الزام به پذیرش این مفهوم مذهبی را توجیه می‌کند(همیلتون،۱۳۷۷ :۲۷۸). درواقع، در مراسم و آیین‌های دینی، که آمیختگی نمادین روحیات معنوی و جهان بینی به وجود می‌آید، آگاهی‌های معنوی مردم شکل می‌گیرد. آیین یا مناسک، یک مفهوم و یک واژهٔ تعیین‌کننده در اندیشهٔ گیرتز است (بختیاری و حسامی، ۱۳۸۲ :۲۳۰-۲۲۹).

تصویر۹-مراسم عزاداری در گورستان (فیلم رنگ انار)

۱۰- الاغ در فرهنگ ارمنیان، نمادی مذهبی، به نشانهٔ اعمال جنسی، نیروی غرایز جنسی، عوامل غریزی انسان و قسمتی از زندگی است، که به تمامی در حیطهٔ زمینی و جنسی جریان دارد. همچنین، نماد صلح، استغنا، فروتنی، صبر و شجاعت است (گربران، ۱۳۸۸:۲۲٦-۲۲۲). به اورشلیم رفتن مسیح با الاغ، نشان دهندهٔ تواضع و نقش این حیوان، به منزلهٔ چهارپایی باربر برای انسان است. از سویی دیگر، رنگ، مشخص کنندهٔ هویت اشخاص، رتبهٔ آن‌ها در جامعه و خصوصیات انسانی، احساسی و شخصی آن‌ها می‌باشد. در هنر مسیحی، از رنگ‌ها در دو سطح از خصوصیات ذاتی و تعابیر احساسی تعریف می‌شود. در سکانس زنان در حال آواز خواندن(تصویر۱۰) پاراجانف، با نمایش تغییر رنگ الاغ از سیاه به سفید، به نوعی تلاش می‌کند تاریکی و پلیدی نهفته در مفهوم میل جنسی را پاک و تطهیر نماید.

تصویر۱۰- سکانس زنان در حال آوازخوانی در کنار الاغ (فیلم رنگ انار)

پاراجانف توانسته تحت تاثیر دین، قوم و هنر مردم ارمنستان و تا حدودی، آداب اجتماعیِ گرجی‌ها نمادهای بومی و ملی سرزمین خود را جنبهٔ جهانی دهد و با زبانی بین‌المللی به انتقال مفاهیم بومی و مذهبی خود بپردازد. نمادهایی که ریشه‌های مشترک در آسیای میانه، قفقاز و ایران دارد. تسلط کمونیسم بر دوازده کشور همجوار یکی از دلایل پنهان شدن پاراجانف در پشت فرهنگ مورد نظر خود بوده است، کما اینکه از سال۱۹۲۵ که ارمنستان در تصرف روسیه قرار گرفت تا سال۱۹۹۱ که اتحاد جماهیر شوروی فرو

پاشید اغلب آیین‌ها، سنت‌ها، نمادها و حتی زبان‌های بومیان هر دوازده کشور، تحت سیطرهٔ مرکزیت قانون تعیین شده در مسکو، اجرا می‌شده است. فیلم رنگ انار پاراجانف به زبان روسی اکران می‌شود و پاراجانف در تقابل با شورای سیاستگذاری وزارت فرهنگ و هنر روسیه به زندان می‌افتد و درکی‌یف دورانی دشوار را می‌گذراند. رنگ‌ها و روانشناسی رنگ‌ها از اصول انتخاب پاراجانف در رنگ‌آمیزی صحنه‌ها و امکانات صحنه و حتی در متریالی است که مورد استفادهٔ شخصیت‌های فیلم رنگ انار قرار می‌گیرد. پاراجانف رابطهٔ رنگ انار را با خون عیسی مسیح و ذات مقدس روحانی درهم می آمیزد و در عین زیبایی شناختیِ مفهومی، به انتقال مفاهیم کنایه آمیز و موثر بر روح و روان مخاطب می‌پردازد. بنابراین پرداختن به زیربناهای فرهنگی مردم از بدیهیات تولیدات پاراجانف در زمینه‌های هنر و ادبیات بوده، که در سینمای وی تجلی می‌یابد و به‌طور ویژه، در رنگ انار به اوج نمودها و نشانه‌ها می‌رسد. صایات نوا نیز به‌عنوان دست‌مایهٔ پاراجانف از شعرای تمثیل نگار و نمادگرای ارمنی از این قاعده مستثنی نیست. سینمای او ملهم از سینمای‌آندری تارکوفسکی و پیر پائولو پازولینی بود. رضایی نوشته سینمای وی در دستهٔ سینمای شاعرانه، هنری و جهان‌شمول محسوب می‌شود. فیلم رنگ انار وی از سوی فیلم سازانی چون‌گدار و فلینی به عنوان یک شاهکار شناخته شده است (رضایی، ۱۲:۱۳۸٦).

۸. نتیجه‌گیری

پاراجانف، از طریق نمایش موضوعات مذهبی مورد علاقه‌اش همچون عشق، محبّت، عذاب و رهایی از آن، رنج و آلام عیسی مسیح را در قالب زندگی صایات نوا نشان می‌دهد و بدین‌وسیله، احساس نیایش و ستایش ماوراءالطبیعه را بر می‌انگیزد. به‌همین دلیل، در سراسر فیلم رنگ انار، فرهنگ کهن قوم ارمن در قالب پیوند آیین‌های جشن و زندگی با آیین‌های مرگ و عزا ظاهر می‌شود و نگاه سیاسی- فرهنگی پاراجانف را با دین درهم می آمیزد و همین امر موجب رویارویی وزارت فرهنگ و هنر روسیه با اکران رنگ انار به زبان ارمنی می‌گردد. رنگ انار به زبان روسی اکران می‌شود

و پاراجانف پنج سال زندان در کی‌یف را می‌پذیرد. در آخر این که سانسورهای روسی اگر چه لطمه به خط سیر پاراجانف در رنگ انار می زند اما نمی‌تواند مانع صدای نمادین وی در فضاهای هنری جهان گردد. بنابراین پاراجانف زبان نمادین را برمی‌گزیند و با تکیه بر تایید سینماگران مطرح جهان، به جایگاهی بایسته در جهان وقت می‌رسد.

یکی از دلایل موفقیت پاراجانف، مطالعات انسان شناسیِ فرهنگی وی در قفقاز و آسیای میانه است. چه بسا اگر وی در سفر به گرجستان، اوکراین و روسیه عاجز مانده بود، از نمادها و نشانه‌های موجود ایرانی در فرهنگ ارمنیان بی خبر بود، و فشارهای سیاسی شوروی بر هنر را درک نمی کرد، شاید نمی‌توانست رنگ اناری ارمنی بسازد که با زبان مردم جهان حرف بزند. پاراجانف با استفاده نمادین از هفت آیین مقدس ارمنیان، شامل: ۱- غسل تعمید ۲- تدهین ۳- توبه ٤- تبرک ٥- ازدواج ٦- آخرین تدهین ۷- دست گذاری (تفویض مقام روحانیت)، سعی در تبلیغ و شناساندن این آیین‌ها به مردم دنیا داشته است. در یک جمله این که رنگ انار زاییده فرهنگ و هنر ارمنیان در اتحاد جماهیر شوروی است.

پی‌نوشت‌ها

[۱] هایراپتیان، اکوپ. خویشی دو زبان فارسی و ارمنی. نشر هور، تهران: ۱۳۵۳.ص١٦

کتاب‌نامه

آلنگر برات، شوالیه ژان (١٣٨٦). *فرهنگ نمادها*.ترجمهٔ سودابه فضایلی. تهران: جیحون.

الیاده، میرچا (١٣٧٥). *دین پژوهی*. ترجمه بهاء الدین خرمشاهی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

بختیاری، محمد عزیز و حسامی، فاضل (١٣٨٢). *درآمدی بر نظریه‌های اجتماعی دین*. تهران: موسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی.

داریان، زارزاند(١٩٦٠). *صایات نُوا*. ایروان: بی‌نا.

رحمانی، جبار(۱۳۸۳). *تفسیر فرهنگ، مروری بر نظریات و روش شناسی کلیفورد گیرتز*. تحقیق درسی.
عارف، محمد (۱۳۸۸). *درخت گیان*. ریخت شناسی آیین های نمایشی بومی قـوم ارمـن. تهـران: نشـر نایبری.
فکوهی، ناصر (۱۳۸٦). *تاریخ اندیشه‌ها و نظریه‌های انسان شناسی*. تهران: نشر نی.
مشکنبریانس، ژیلبرت (۱۳۸٦). «صایات نُوا، هنرمندی برای تمام نسل‌ها». *فصلنامهٔ فرهنگی پیمان*، سال یازدهم، ٤۲.
مانوکیان، آرداک (۱۳۸٦). «آیین‌های کلیسا». *فصلنامهٔ فرهنگی پیمان*، سال هشتم، ۳۰.
نرسیسیانس،امیلیا (۱۳۸۵). *انسان، نشانه، فرهنگ* .تهران: نشر افکار.
هال، جیمز (۱۳۹۳). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شـرق و غـرب*. (ترجمـهٔ رقیـه بهـزادی). تهـران: فرهنگ معاصر .
همیلتون، ملکلم (۱۳۷۷). جامعه شناسی دین. (ترجمهٔ محسن ثلاثی). تهران: تبیان.
یاحقی، محمدجعفر(۱۳۸٦). *فرهنگ اساطیر و داستان واره‌ها در ادب فارسی*، تهران: فرهنگ معاصر.
Geertz, C. (1973a). The Impact of the Concept of Culture on the Concept of Man, the Interpretation of Cultures NewYork: basic book. pp.33-54, Inc.
----------, (1973e). Religion as a cultural system. The Interpretation of Cultures, NewYork: basic book, Inc.
G.Hovannisian, Richard. (2004). Armenian Sebastia/sivas And Lesser Armenia (Ucla Armenian History and Culture
Series. Historic Armenian Cities and Provinces: Mazda Pub
Spencer, Jonathan. (1996). Encyclopedia of Social and Cultural Anthropology. Alan Barnard, Jonathan Spencer ed.pp.535-539.London and NewYork: Routledge.
Steffen, James. (2013).The cinema of Sergei parajanov.The University of Wisconsin Press. pp. 133-154
Steffen, James (1995-96). parajanov's playful poetics: on the 'director's cut' of the color of pomegranates, Journal of Film and Video, Vol. 47, No. 4, International Film and Television, pp. 17-32
Wainwright, Geoffrey, Westerfield, Tucker& Karen B. eds. (2005).The Oxford History of Christian worship: Oxford University Press.

سایت های خارجی:

Khachatryan, Anna. (2015*). Pomegranate, the Fruit of Armenia*. From http://blog.wandelion.com/fruit-of-armenia